

عقلانیت انقلابی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)

رحمت عباس تبار مقری^۱
عباداله اختری^۲

چکیده

عقلانیت در معرفت‌شناسی، مفهومی هنجاری است و وقتی باوری را معقول به حساب می‌آوریم، حاکی از این است که وظیفه‌ای معرفت‌شناختی را در پذیرفتن آن رعایت کرده‌ایم. هدف از نوشتار این مقاله، بهره‌گیری از کارکرد نظریه عقلانیت انقلابی و ترویج این گفتمان، ضمن تاکید بر ارزش‌ها و آرمان‌ها، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، با توجه به بازخوانی عقل سیاسی و انقلابی و مدل نظری عقلانیت ماکس وبر است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که رابطه میان انقلابی‌گری با عقلانیت چگونه است و مهم‌ترین مبانی عقلانیت انقلابی کدامند؟ همچنین موانع عقلانیت را نیز مورد کاوش قرار خواهیم داد. از این رو پژوهش حاضر ضمن تمرکز بر این پرسش‌ها، می‌کوشد داده‌های لازم را از طریق مطالعه کتابخانه‌ای استخراج و به روش توصیفی-تحلیلی آن‌ها را مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. یافته‌های اولیه پژوهش حاکی از آن است که نگاه و جایگاه عقلانیت انقلابی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر گزاره‌هایی چون: سعادت و غایت جامعه سیاسی، سیاست دین محور، تطبیق آرمان و واقعیت، سیاست اصل محور و مبتنی بر مردم سالاری دینی است. **واژگان کلیدی:** عقلانیت انقلابی، اسلام سیاسی، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، عقلانیت ماکس وبر.

۱. عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)
R.abbastabar@umz.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

مقدمه

امروزه پس از گذشت چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی در ایران و قرار گرفتن در دهه پنجم و با توجه به کارنامه جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف و همچنین با تأکید بر بیانات و ارشادات مقام معظم رهبری، به راحتی می‌توان مفهوم عقلانیت در نظام ۴۰ ساله جمهوری اسلامی ایران را بررسی نمود و متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در جله دوم انقلاب، گام‌های اساسی‌تری برداشت و انقلابی‌گری را فقط به معنای تغییر اصل نظام و حاکمیت معنا نکنیم، بلکه بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب، انقلابی‌گری را به معنای تحول معنا کنیم. آن چه در این نوشتار از اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) مطرح می‌شود، بر این فرض اصلی استوار است که در نظر آن بزرگوار ملاحظه‌های عقلی، هم در تأسیس و هم در تداوم حکومت اسلامی به اندازه مبانی شرعی اهمیت و اعتبار دارد و به استناد اصل کلی «کَلِمَا حُكْمٌ بِالشَّرْعِ حُكْمٌ بِالعَقْلِ»، چنانچه حکومت بر اساس موازین مورد قبول عقل، از جمله آزادی افکار، قانون‌مندی، ضرورت سنجی و... حرکت کند، مورد تصویب شرع هم است. شرع و عقل حکم می‌کند که نگذاریم برخی رفتار و سیاست‌های غیردینی و گاهی متضاد با دین اسلام و اهداف انقلاب اسلامی ادامه پیدا کند. دلایل این کار واضح است، چون لازمه برقراری نظام سیاسی اسلامی، وجود سیاست‌ها و کارگزارانی از جنس انقلاب اسلامی و برخوردار از مبانی فکری صحیح دینی اسلامی می‌باشد.

آنچه که ذهن هر پژوهشگری را به خود مشغول می‌کند این است که آیا سیاست دهه‌های گذشته نظام جمهوری اسلامی بر پایه و اساس عقلانیت سیاسی بوده است؟ رهبران نظام جمهوری اسلامی، خصوصاً حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله‌العالی)، به عنوان عالی‌ترین شخصیت سیاسی نظام، چه اصول و شاخصه‌هایی را برای عقلانیت در نظر گرفته اند؟ نسبت میان عقلانیت سیاسی و تفکر انقلابی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای چگونه است؟ مفروض بحث این است که انقلاب اسلامی ناشی از محاسبه عقلانی صحیح و با پشتوانه علمی-دینی تحقق پیدا کرده است. مطالبه‌گری به حق مردم در امور آزادی، استقلال و عدالت طلبی، بخشی از مضامین عقلی برای تشکیل حکومت اسلامی بوده است و بر این فرض استوار است که انقلاب اسلامی برآمده از عقلانیت مردمی است و به عبارتی، بین عقلانیت و انقلابی‌گری نوعی رابطه دوسویه برقرار است.

در بررسی ادبیات پژوهش، تحقیقی با مضمون "عقلانیت انقلابی" مشاهده نشده است، اما تک‌نگاره‌هایی در باب عقلانیت سیاسی و یا عقلانیت در انقلاب اسلامی دیده می‌شود. مثلاً در کتاب «انقلاب عقلانی» (ذوعلم، ۱۳۸۹)، معنای "عقلانی بودن انقلاب اسلامی" و به عبارتی دیگر، رابطه «انقلاب» با «عقلانیت» تبیین شده است و به عنوان سلسله نوشتارهایی است در تبیین کلیدی‌ترین مفاهیمی که مورد نیاز جامعه‌ی امروز ماست و در بیانات رهبر حکیم انقلاب اسلامی نیز مورد توجه یا اشاره قرار گرفته است. همچنین مقاله محمد مهدی اسماعیلی و میثم عباسی فیروزجاء (۱۳۹۵) در مورد "عقلانیت انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای"، عقلانیت جزء جدا ناشدنی انقلاب به شمار می‌رود که در کنار دو مفهوم معنویت و عدالت، ابعاد اصلی مکتب امام خمینی (ره) را تشکیل می‌دهند. از منظر نویسندگان این مقاله، انقلاب بر حسب عقلانیت خاص خود به تولید مفاهیمی می‌پردازد که برای اداره جامعه و حرکت به سمت الگوی مطلوب پیشرفت از اهمیت اساسی برخوردار است. این مضمونها آموزه‌هایی ذهنی و مبتنی بر قوه مجرد عقلی نیست، بلکه مفاهیمی «عملی» و «تمدن‌ساز» است که جمهوری اسلامی باید در راستای تحقق آن حرکت کند. اما پژوهش حاضر سعی دارد، مهم‌ترین مولفه‌های عقلانیت را با شاخصه‌های انقلابی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای استخراج و به عنوان راهبرد در جهل ساله دوم انقلاب مدنظر قرار گیرد.

۱. چارچوب نظری و مفهومی

۱-۱. عقلانیت سیاسی از منظر ماکس وبر
از نظر ماکس وبر، «عقلانیت یا عقلانی شدن» یعنی: پیچیدگی در نظام اداری، اجتماعی و اقتصادی، پیدایش تقسیم کار و وظایف گسترده، پیش‌بینی پذیر شدن امور زندگی اجتماعی و اقتصادی، به ویژه بهره‌گیری انسان از ابزارها و گسترش عقلانیت ابزاری در حیطه‌های دولتی، بوروکراسی، اقتصاد سرمایه داری و... اما عقلانی شدن لزوماً به معنای بقای روحانی انسان نیست، حتی به معنای افزایش آگاهی انسان هم نیست؛ زیرا انسان تنها در جامعه مدرن از وسایلی استفاده می‌کند که نسبت به جزئیات آنها آگاهی ندارد. تفاوت انسان مدرن با انسان سنتی در آن است که انسان مدرن به لحاظ گسترش تخصص‌ها، نقش‌های مختلفی را در جامعه بازی می‌کند. انسان مدرن میان «واقعیت» و «امکان» فاصله می‌بیند. عقلانیت مورد توجه

ویر را نباید با مفهوم به اصطلاح عقلانیت موجود در تاریخ که حاصل صیورورت انسانی در فرایند ترقی جهان بوده و فرجام آن پیروزی عقل به معنای شکوفایی عدالت حقیقی، تقوای واقعی، برابری صلح و... است با مفهوم امری عقلانی که در نهایت به انسان مداری می انجامد اشتباه کرد (آزادارمکی، ۱۳۷۵: ۳۹). زمینه و منشاء توضیح و تشریح نظریه عقلانیت در نظر وبر، کیفیت تکامل تمدن غرب بر حسب عقلانیت فزاینده‌ای بوده که سبب آفرینش یک نظم اجتماعی برنامه‌ریزی شده در زمینه‌های متعددی همچون اقتصاد سیاست دین و غیره بوده است (شیخ زاده، ۱۳۸۱: ۱۴۱). با توجه به تقسیم بندی که ماکس وبر بر عقلانیت دارد، می توان به فهم تمرکز ایشان بر عقلانیت، پی برد؛

الف- عقلانیت عملی: از نگاه وبر، عقلانیت عملی در حقیقت هرگونه شیوه‌ای از زندگی فرد است که شخص در آن اعمال دنیایی و تاثیرات آنها بر خود را ارزیابی می کند. عقلانیت عملی، استراتژی برای بهترین حالت زندگی فرد، رسیدن او به اهداف مهم و ترجیحات تا حد امکان است. هرگونه شیوه زندگی را که فعالیت دنیایی را با مبنا قرار دادن منافع فردی در وجه صرفاً عملگرایانه می نگرد و داوری می کند، واحد عقلانیت عملی وبر شناخته می شود (وبر، ۱۳۷۱: ۱۷۲).

ب- عقلانیت نظری: این نوع عقلانیت متضمن مهار کردن آگاهانه واقعیت است نه از طریق کنش بلکه از طریق ساختن مفاهیم انتزاعی که دارای دقتی فزاینده‌اند. در این جا مواجهه شناختی شخص با تجربه‌اش مانند فرآیندهای فکری از قبیل قیاس و استقرایهای منطقی فراوان رخ می دهد. اسناد علیت و ایجاد معانی نمادین در این عقلانیت، اموری عادی اند، به طور کلی تر تمام فرآیندهای انتزاعی مربوط به شناخت در تمام صورت‌های فراگیر و فعال شان نشانه‌های عقلانیت نظری اند. این نوع عقلانیت تلاشی است آگاهانه برای نیل و وقوف به واقعیت مسلط و برتر، بیشتر از طریق افزایش مفاهیم انتزاعی است تا از طریق کنش (وبر، ۱۳۷۱: ۲۳۲).

ج- عقلانیت صوری: این نوع عقلانیت که دارای معانی کاملاً روشن و دقیق است، برای گزینش ابزارهای درست نسبت به یک هدف که قصد دستیابی به آن را داریم دلالت دارد (قائمی نیا، ۱۳۸۳: ۳). در این نوع عقلانیت، کنش‌گر بهترین و کاراترین راه برای رسیدن به هدفی مشخص را می‌سنجد و محاسبه می‌کند، و این کنش را نه به خاطر

خواستن خود بلکه به دلیل اینکه بهترین و کاراترین راه برای رسیدن به هدف است انجام می‌دهد (و بر، ۱۳۷۴: ۲۸). از نظر کیوستو، تاکید و بر عقلانیت از نوع صوری آن به نقش ابزاری عقل و انصراف از عقل حقیقت‌جو به عقل کارآمد است و غایت آن انتخاب و یافتن بهترین راه با کمترین هزینه برای رسیدن به هدف است (کیوستو، ۱۳۸۵: ۸۳).

د- عقلانیت ذاتی: انتخاب ابزاری از طریق ارزش‌ها برای دستیابی به اهداف در متن یک سیستم ارزشی است، یا به عبارت دیگر به‌کارگیری محاسبه عقلانی برای اهداف یا ارزش‌های نامحدود و آتی است (ارامکی، ۱۳۷۵: ۳۹). عقلانیت ذاتی از این نظر که کنش را مستقیماً به سوی الگو هدایت می‌کند مشابه عقلانیت عملی است، هرچند شباهتی به عقلانیت نظری ندارد، اما این هدایتگری نه بر پایه بررسی راه‌حل‌های مسائل روزمره از طریق محاسبه محض وسیله-هدف است بلکه در ارتباط با اصلی ارزشی است که در گذشته، حال یا بالقوه موجود صورت می‌گیرد.

آنچه که ملاک ما در این پژوهش است، عقلانیت ذاتی است. یعنی مدعای ما این است که عقلانیت انقلابی نوعی عقلانیت ذاتی و ماهوی است که ریشه در ارزش‌های انقلابی دارد. بنابراین، این گونه عقلانیت منحصر به جوامع غربی نیست و فرا فرهنگی و فرا تاریخی است و هر جامعه‌ای که اصول ارزشی مستحکمی داشته باشد از عقلانیت ماهوی و ذاتی به بی‌بهره نیست. یعنی ملاکی منحصر به فرد با تکیه بر آن، رویدادهای بی‌پایان تجربی را که در عالم واقع جریان دارند می‌توان مورد گزینش سنجش و داوری قرارداد. به عبارتی دیگر این نوع عقلانیت دارای مفهومی هنجاری است بدین معنا که که واژه‌ای برای ارزیابی و مستلزم بایدهاست. عقلانیت انقلابی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) هم از عقلانیت ماهوی و ذاتی است که بر پایه ارزش‌های انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد. عقلانیت ذاتی منشاء عقلانیت‌های ارزش شناختی است، یعنی با ضابطه‌مند کردن ارزش‌ها می‌توان تحلیلی روشمند برای زندگی عقلانی ارائه داد.

۱-۲- عقلانیت سیاسی

عقلانیت سیاسی در مفهوم عام به این معناست که سیاست‌های اعمال شده و یا برنامه‌ریزی‌های سیاسی که در نظر گرفته می‌شود، با عقل و منطق صحیح منطبق باشد. عقلانیت سیاسی با یک وسعت نظر، باید طوری برنامه‌ریزی کند که حداقل موانع اساسی را از پیش پای جامعه

بردارد. همچنین در این معنا، انسان باید از خرد و بینش خود که همراه با دانش است، حداکثر بهره برداری را در جهت تصمیم‌گیری‌ها و شیوه‌های سیاسی انجام دهد. در عقلانیت سیاسی باید وسایل و ابزارها را طوری با اهداف هماهنگ کرد تا به یک نتیجه معین رسید، مکاتبی نظیر لیبرالیسم، سوسیالیسم و زیرمجموعه‌های مختلف تأکید زیادی بر مفهوم تصمیم عقلانی در سیاست دارند. تصمیم‌گیری عقلانی بر این فرض استوار است که تصمیم‌گیر در اتخاذ تصمیم از قانون هزینه و فایده تبعیت می‌کند. به عبارت دیگر در مدل عقلایی تصمیم‌گیری، بازیگر ضمن تعیین اهدافی مطابق آرمان و ارزشهای مکتب خود، راه‌های رسیدن به آن هدف را مشخص می‌کند. بازیگر در مرحله بعدی تبعات و عواقب هر راه‌حل را می‌سنجد و در نهایت تصمیمی منطقی در موضوعات سیاست می‌گیرد. لذا مدل عقلانی تصمیم‌گیری در سیاست، مدلی مرسوم است.

به طور معمول، عقلانیت در زندگی بشر را در سه سطح عقلانیت نظری، کنشی و ساختاری مورد بررسی قرار می‌دهند: منظور از عقلانیت نظری که از قدیمی‌ترین عرصه‌های عقلانیت است، بسط عقل در حوزه معرفت‌نظری و برهان و استدلال می‌باشد که در تاریخ فکر بشر، در قالب فلسفه و کلام تبلور یافته است. عقلانیت کنشی، ظهور عقل در کردارها، اعمال و رفتار افراد را شامل می‌شود. عقلانیت ساختاری نیز به بازتولید عقل در نهادها و قواعد جمعی اطلاق می‌گردد که باید‌ها و نبایدهای عقلانی را به انسانها منتقل می‌سازد (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۴-۱۵) که مراد ما در اینجا همین عقلانیت ساختاری است که مبنای عقلانیت سیاسی را می‌سازد.

شکل‌گیری عصر جدید با نظریه پردازی افرادی همچون ماکیاولی، هابز، الک، هیوم، بنتام، جیمز میل، استوارت میل، روسو، کانت و هگل صورت پذیرفته است که هر یک سعی کرده‌اند چرخه عقلانیت و حضور آن در سیاست را در جوامع غربی نهادینه کنند. برخی در این راستا سخن از قرارداد اجتماعی به میان آورده‌اند، برخی به اصالت منفعت تأکید کردند و برخی نیز عقلانیت را مبتنی بر اراده‌ای عقلانی دانسته‌اند. (پولادی، ۱۳۸۰: ۲۶)

اما همان‌طور که از عقلانیت سیاسی غربی سخن گفته شد، لازم است از عقلانیت سیاسی اسلام نیز نام برده شود. روشن است که عقلانیت اسلامی از شعب و شاخه‌های متعددی برخوردار است که مهم‌ترین آنها، عقلانیت سیاسی است. بر اساس بینش اسلامی، عقل انسانی برای تفکر و تعقل آمده است و باید گفت عقل سیاسی ریشه در ایمان و اعتقاد و تفکر دارد و در

کنار آموزه‌های دینی و بهره‌گیری از پرتو وحی می‌تواند عقل سلیم به معنای حقیقی باشد. واقعیت این است که اگر بتوان عقلانیت اسلامی را نوسازی کرد، به تبع آن، عقلانیت سیاسی اسلام نیز نوسازی شده است و امکان دست‌یابی به عقلانیت سیاسی به مراتب قوی‌تر و کارآمدتر وجود دارد (غلامی، ۱۳۹۸: ۳). در عقلانیت سیاسی برآمده از اسلام، هست‌ها به عنوان الگو و منبع الهامی برای بایدها معرفی می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۴۸).

۱-۳- عقلانیت انقلابی

با بررسی و اتکا به بیانات مقام معظم رهبری در موضوع عقلانیت می‌توان مفهوم عقلانیت از دیدگاه ایشان را ضمن کلیدواژه "عقلانیت انقلابی" خلاصه کرد. موضوع عقلانیت، بحثی معرفتی و بینشی است که مکاتب گوناگون درباره آن دیدگاه‌های متفاوتی دارند. اما عقلانیت از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی را می‌توان در همان مفهوم «عقلانیت انقلابی» خلاصه کرد. بطور خلاصه می‌توان گفت، عقلانیت انقلابی، مرجع و محملی منطقی برای تحلیل و ابراز نظر در مسائل گوناگون سیاسی، امنیتی و بین‌المللی است که با رویکردی فعالانه و متناسب با واقعیات به تحلیل و اقدام جهت حل مشکلات و مسائل می‌پردازد. عقلانیت در اندیشه مقام معظم رهبری، از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی و در عرض ایمان، مجاهدت و عزت قرار دارد. به عقیده ایشان جایگاه عقلانیت در فرآیند جامعه‌سازی اسلامی از نقش بسیار مهمی برخوردار است. بدون شک عقلانیت از مهم‌ترین ابزار جهت‌دهنده و ارزش‌گذار فعالیت‌ها در نظام اسلامی به شمار می‌آید. همچنین در ارکان تفکر و تمدن اسلامی، عقلانیت در کنار نوگرایی و سماحت اسلامی جایگاهی بسیار مهم و تأثیرگذار دارد.

باتوجه به تشریح عقلانیت انقلابی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، می‌توان تفاوت عقلانیت وبری و عقلانیت انقلابی را در دینی و سکولاری بودن آن معنا کرد. در عقلانیت دینی حقایق ثابت وجود دارد، برخلاف عقلانیت سکولار که همه چیز را تابع قرارداد می‌داند. در عقلانیت دینی واقعیت، منحصر به هستی و وضعیت محیطی نیست، بلکه واقعیت‌های فرا محیطی نیز وجود دارد که بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارد. بنابراین طبق عقلانیت دینی انسان نباید در تصمیمات خود فقط بر وضعیت موجود اکتفا کند، بلکه باید امور ماورای آن را نیز در تصمیمات دخالت دهد. چون امکان دست‌یابی به حقیقت فراهم است و هر امری طبق هنجارهای اخلاقی

دارای مصلحت و مفسده است. از نظر عقلانیت دینی ملاک در انتخاب هدف و راه رسیدن بدان صرفاً کارآمدی و عملی بودن نیست، بلکه درستی و حقیقت داشتن ملاک است. یعنی به سبب عدم تمایز میان عقلانیت و ارزش‌ها، دخالت عقلانیت سطوح مافوق بر سطوح مادون، سطوح مافوق به عقلانیت ابزاری اجازه نمی‌دهد که هر آن چه را خواست برگزیند، بلکه باید بر مبنای درستی و حقیقت داشتن، هدف و راه وصول بدان را انتخاب نماید (فصیحی، ۱۳۸۴: ۳).

عقلانیت از دیدگاه وبر که از ویژگی‌های عصر مدرن است یک عقلانیت سکولار است و فرآیندی را طی می‌کند که از طریق آن تمام روابط و مناسبات انسانی در معرض تحلیل محاسبه و مدیریت قرار می‌گیرد. وبر حتی خود دین را به طور نسبی عقلانی می‌داند و بر این باور است که دین این ظرفیت را دارد که سرچشمه برای رشد عقلانیت باشد، همانگونه که اخلاق پروتستان در غرب مبنای تحولات فرهنگی خاصی شده است. اخلاقی که روی اصالت فرد، سخت‌کوشی، رفتار عقلانی و اعتماد به نفس تاکید می‌کند. ماکس وبر شناخت کاملی از تمام ادیان نداشت لذا بیش از اندازه به عقلانیت ابزاری تکیه می‌کند. بنابراین تحلیل وی یک تحلیل سابژکتیو است. به این معنی که تنها به یک جنبه از تحلیل دین می‌پردازد، در صورتی که جنبه‌های دیگر را در نظر نمی‌گرفت و ابعاد عقلانی، سیاسی، تاریخی و غیره که هرکدام تفسیری پویا دارند را به کنار گذاشت و آن را ساخته ذهن بشر می‌دانست (یزدانی، ۱۳۸۹: ۹۳).

۲. شاخصه‌های عقلانیت انقلابی

با فحص و تعمق در اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مواردی را می‌توان به عنوان شاخصه‌های عقلانیت انقلابی احصاء نمود:

۱-۲. آینده‌نگری و دوراندیشی در تصمیمات

تأمل در موضوع آینده انقلاب اسلامی که مباحث بسیار عمیق و جامع در آن قابل بحث است، آغاز مرحله‌ای دیگر از رشد و بالندگی این نهضت الهی و مردمی است. دیدگاه و افق آینده‌نگرانه مقام رهبری نسبت به انقلاب اسلامی، از عمق و جامعیت بالایی برخوردار است. ایشان با اشرف کامل به مسائل و احاطه به رویدادها و قدرت تجزیه و تحلیل موضوعات مرتبط با آینده انقلاب، راه کارها و الزاماتی را برای دستیابی به آینده مطلوب

و نیز تضمین سلامت انقلاب اسلامی ترسیم می نماید. توجه و عمل به این دیدگاهها و راهبردها در حوزه های مختلف و اساسی موجب پویندگی و بالندگی انقلاب در مسیر تکاملی خود می گردد.

نگاه فرا زمانی و مکانی در طراحی زیر ساخت های نظام اسلامی و برنامه نویسی سیاست های کلان، برجسته ترین راهبرد مقام معظم رهبری در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی بوده و بیانگر نوعی عقلانیت انقلابی است. در این زمینه می توان به چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، و معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی بسوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم قرن آینده اشاره کرد. این الگو با مشارکت گسترده متفکران و صاحب نظران ایرانی و بر اساس جهان بینی و اصول اسلامی و ارزش های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران و با در نظر گرفتن زمان و مکان، بر طبق روش های علمی و با استفاده از دستاوردهای بشری و مطالعه آینده پژوهانه تحولات جهانی طراحی شده و شامل مبانی، آرمانها، رسالت، افق و تدابیر است.

آیت الله خامنه ای در دستور خود به مجمع تشخیص مصلحت نظام در تدوین و تصویب سند چشم انداز بیست ساله، به اصولی از امانتداری و آینده نگری اشاره کرده تا جهت کلی مسیر انقلاب برای توسعه در حوزه های داخلی و بین المللی برای آیندگان ترسیم گردد.

جلوه ای دیگر از عقلانیت انقلابی و آینده نگری آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، توجه به اصول کلی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی است. بدین معنا که انقلاب اسلامی بر مینا و اصول کلی پایه ریزی شده و استحکام یافته است، بنابراین پای بندی به این اصول باید به گونه ای باشد که سایر قوانین و مقررات و آیین نامه ها از این اصول سرچشمه بگیرد. "باید تصمیم بگیریم که خط انقلاب را به معنای حقیقی کلمه و بدون هیچ گونه کمبود و کسری و پذیرش سایدگی در گوشه ای از این هدفها با قاطعیت و قدرت به سمت هدف های انقلاب ادامه دهیم (آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، ۱۳۶۸/۵/۱۸). روال کار بایستی تداوم و استمرار سیاست های کلی باشد که مجموعه نظام آن را برای آینده کشور تصویر کرده است" (آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، ۱۳۸۳/۶/۴).

۲-۲. احیاء هویت دینی

هویت، از جمله مفاهیمی است که در جامعه شناسی و روانشناسی همواره از وجوه گوناگون

مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این مفهوم در جامعه‌شناسی به قوه استدراک و تلقی انسان به طور خاص و اجتماع انسانی به طور عام از چیستی و کیستی خویش و کیفیت تعین معنا در عالم بین‌الذات اشاره دارد. مفهوم هویت را می‌توان به دو گونه خاص «هویت اجتماعی» و «هویت شخصی»، که در طی کنش و واکنش‌های اجتماعی بین فرد و اجتماع طی فرایندی دیالکتیکی بین کل و جزء همواره بر هم تأثیر می‌گذارند، تقسیم کرد؛ که هویت اجتماعی به معنی القاب و ویژگی‌هایی است که از جانب «دیگری» به «فرد» یا «اجتماعی» خاص نسبت داده می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۰: ۴۵).

از دیگر شاخصه‌های عقلانیت انقلابی در بیان و بنان آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ارزشگذاری بر دین اسلام و تجدید حیات هویتی مردم ایران است. احیای دین مهم‌ترین انگیزه پیدایش انقلاب اسلامی و حضور مردم قهرمان و مبارز در عرصه‌های مختلف انقلاب بود. اجرای احکام اسلام در همه سطوح جامعه نیز برجسته‌ترین خواسته آنان به شمار می‌رفت. نقش انقلاب در بسترسازی احیای احکام و ارزش‌های اسلام ناب، غیر قابل کتمان است؛ "ما هر جا موفق شدیم ناشی از تبعیت از اسلام بوده، هر جا ناموفق ماندیم ناشی از سرپیچی از اسلام بود. این نهضت و انقلاب، همه این‌ها مقدمه این است از برای این که اسلام پیاده بشود ما دنبال این هستیم که اسلام تحقق پیدا بکند، دنبال اسم نیستیم که حالا ما اسم جمهوری اسلامی پیدا کردیم کافی است برای ما. مقصد این است که کشور ما یک کشور اسلامی باشد، کشور ما در تحت رهبری قرآن، تحت رهبری پیغمبر اکرم (ص) و سایر اولیاء عظام اداره بشود" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹).

وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) نقطه‌ی عطفی در تحولات فرهنگی و هویتی جهان اسلام بوده است: «توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است که ما می‌خواهیم بر اساس آن این حکومت و این نظام و این حرکت را راه بیندازیم» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲). انقلاب اسلامی ایران، احیای فرهنگ و هویت اسلامی بود.

۲-۳. اقتدار و عزت ملی

مبنای اقتدار در جمهوری اسلامی یک مبنای «عقلانی» است؛ یعنی اقتدار صرفاً محصول

احساسات و عواطف نیست. محاسبه اقتدار ملی یک محاسبه عقلانی است؛ یعنی یک محاسبه درست و منطقی. حد و اندازه قدرت دفاعی، عرض و طول نیروهای مسلح، چگونگی تقسیم مسئولیت‌ها میان نیروهای مسلح و تعیین انواع ابزارهای دفاعی، همه بر اساس محاسبات درست و منطقی است. "ما اگر بخواهیم عقلانیت را به کار بگیریم برای مشخص کردن حد و حدود قدرت دفاعی مان، بایستی تهدید را به شکل واقعی خودش ببینیم. دشمنان گاهی تهدید را مخفی می‌کنند، پنهان می‌کنند برای غافل‌گیری، گاهی تهدید را ده برابر بزرگ‌تر نشان می‌دهند برای ایجاد ترس و رعب در ملت‌های عالم که این کار دَوم را بیشتر ابرقدرت‌ها می‌کنند. تهدید خودشان را، قدرت خودشان را، خیلی خیلی بیشتر از آنچه هست نشان می‌دهند برای اینکه دیگران را وادار به تسلیم بکنند. اگر چنانچه یک ملتی، یک کشوری و نیروهای مسلح او و سردمداران و مدیران نیروهای مسلح تهدید را در اندازه واقعی خودش ببینند، از طرفی ظرفیت‌های خودشان و توان و استعداد خودشان را هم به صورت واقعی ببینند و آن را اعداد کنند، آن را بسیج کنند، آماده کنند - وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ؛ هر چه می‌توانید اعداد کنید - امکانات خود را اعداد بکنند و توان تهدید دشمن را هم ببینند، این قطعاً منافع ملی را تأمین خواهد کرد و موجودیت ملی را حفظ خواهد کرد، هویت ملی را محفوظ خواهد داشت" (آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۲۱ / ۷ / ۹۹).

۲-۴. اعتماد به مردم (مردم‌سالاری دینی)

مردم‌سالاری دینی قبل از طرح در جهان اسلام، با عنوان تئودموکراسی در جهان مسیحی برای ایجاد ارتباط میان الهیات و حکومت دموکراتیک توسط جوزف اسمیت مطرح شد. از نظر اسمیت منظور از این مفهوم، نظامی است که «خدا و مردم» قدرت را بر پایه درستکاری برعهده دارند. این اصطلاح قبل از رواج در ایران پس از انقلاب، توسط برخی از اندیشمندان مسلمان از جمله ابوالاعلی مودودی، از متفکران هند و پاکستان طرح شد. وی مردم‌سالاری دینی را حکومتی می‌دانست که حاکمان آن به واسطه اراده آزاد مردم انتخاب می‌شوند و سیاست‌گذاری‌های آن بر پایه اصول اسلامی برآمده از کتاب و سنت انجام می‌گیرد (مبلغی، ۱۳۹۳: ۴۳).

مردم‌سالاری دینی شیوه‌ای از حکومت‌داری در کشورهای اسلامی است که شهروندان دین‌باور در چارچوب آموزه‌های شریعت، مشارکتی فعال در زندگی سیاسی دارند و از هرگونه

استبداد فردی در تصمیم‌گیری‌های عمومی اجتناب می‌کنند. "الهی بودن ذات حاکمیت" و "واگذاری حاکمیت از طرف خدا به مردم" را دو عنصر اصلی این نوع حکومت دانسته‌اند. مردم‌سالاری دینی پس از انقلاب اسلامی ایران از نشان‌های اصلی جریان اسلام‌گرایی سیاسی و از مصادیق چالش مدرنیسم و سنت معرفی شد. از مردم‌سالاری دینی به‌عنوان بدیلی امنیت‌آفرین در برابر سکولاریسم، راهکاری برای خروج جهان اسلام از افراط‌گرایی و سلفیسم و همچنین پاسخی به مطالبات تاریخی مردم ایران در جمع میان دین و شاخص‌های دموکراسی از زمان انقلاب مشروطه یاد شده است و در جمهوری اسلامی این مهم به‌عنوان مصداقی از مبانی عقلانیت نمو پیدا کرد و هرچه از عمر آن می‌گذرد رشد این شاخصه بیشتر نمایان می‌شود.

در رویکرد عقلانی آیت‌الله خامنه‌ای به مردم، اعتماد به مردم، جزء سنن آفرینش است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: "محاسبات جمهوری اسلامی از روز اول براساس منطق عقلانی بوده است؛ عناصری که این محاسبات را شکل میداده اینها هستند: اول، اعتماد به خدا و سنن آفرینش؛ دوم، بی‌اعتمادی به دشمن و شناخت او. از جمله‌ی موارد اعتماد به خدا و سنن آفرینش، اعتماد به مردم است؛ اعتماد به ایمانها است؛ اعتماد به محبتها است؛ اعتماد به انگیزه‌های صادقانه است؛ اعتماد به صدق مردم است. اعتقاد به خودباوری و اینکه «ما میتوانیم»، تکیه به عمل و پرهیز از بیکارگی، اعتماد به نصرت الهی، تکیه به تکلیف و مجاهدت در راه تکلیف. اینها آن چیزهایی است که از روز اول تا امروز مجموعه عناصر قوه عقلانی نظام اسلامی را شکل داده است (آیت‌الله خامنه‌ای، مدظله‌العالی، ۱۳۹۳/۴/۱۶).

۲-۵. استقلال طلبی

استقلال یعنی آزادی از اراده بیگانگان و اراده دیگران. این را هیچ عقلی نمیتواند انکار کند (آیت‌الله خامنه‌ای، مدظله‌العالی، ۱۳۹۳/۴/۱۶). استقلال یعنی يك كشوري مداخله‌گر را بشناسد، با آن مقابله کند و در مقابل آن بایستد. استقلال به معنای بداخلاقی کردن با همه‌ی دنیا نیست. استقلال به معنای مقابله با آن قدرتی است که میخواهد مداخله کند، میخواهد دستور بدهد، میخواهد حیثیت و شرف يك ملت را برای منافع خود خرج کند (آیت‌الله خامنه‌ای، مدظله‌العالی، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹). شعار اصلی انقلاب اسلامی این سه کلمه بود: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی، همان نظامی است که وارد میدان شد، با تلاش‌های خود و

چالش‌هایی که با آن روبه‌رو بوده است، پیش می‌رود و راه را باز می‌کند. شعار آزادی، جزو شعارهای بسیار جذاب است. درباره آزادی، سخن‌ها بسیار گفته شده است؛ بعضی با اعتدال، بعضی با افراط، بعضی با تفریط.

شعار استقلال، یکی از مهم‌ترین شعارهاست. اگر استقلال نباشد، یک ملت به آزادی خود و به شعار آزادی خود هم نمی‌تواند خوشبین باشد. استقلال را بعضی عمداً، بعضی سهواً، بعضی از روی غفلت و بعضی از روی خباثت، می‌خواهند به دست فراموشی بسپارند. "استقلال یعنی اینکه یک ملت بتواند بر سرنوشت خود مسلط باشد، بیگانگان دست دراز نکنند و سرنوشت او را خائنه و مغرضانه رقم نزنند. این معنای استقلال است. اگر از ملتی استقلال او گرفته شد، یعنی اگر بیگانگان که یقیناً دلسوز او نیستند بر سرنوشت او مسلط شدند، دو چیز را از دست می‌دهد: اول، عزت نفس خود را، افتخارات خود را، احساس هویت خود را؛ دوم، منافع خود را. دشمنی که بر سرنوشت یک ملت مسلط شود، دلسوز آن ملت نیست و منافع آن ملت برای او اهمیت ندارد. آنکه می‌آید یک ملت را مستخّر سرنجه قدرت خود می‌کند، در درجه‌ی اول در حقیقت، در اول و آخر به فکر منافع خود است. آنچه برای او کمترین اهمیتی ندارد، منافع آن ملتی است که استقلال خود را از دست داده است. ما در این زمینه نمونه‌های فراوانی در قرن نوزدهم و سپس به دنبال آن در قرن بیستم داریم (آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

۲-۶- قانون‌گرایی

شاخص دیگر عقلانیت، توجه، تمرکز و اعمال قانون است. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، به حکم عقل، قانون‌گرایی جنبه الزام‌آور و حاکمیتی و ولایتی دارد. ایشان می‌فرمایند: "شما با قانون دارید اعمال ولایت می‌کنید بر جامعه، اعمال اقتدار می‌کنید بر جامعه، لذا قانون الزام‌آور است. یعنی طرف شما در جامعه که آحاد مردم - از جمله خود شما - هستند، در زیر اقتدار قانون قرار می‌گیرند. قانون بر آنها اعمال ولایت می‌کند. این جنبه‌ی واضح قانون است" (آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۱۳۸۸/۱/۱۰). اثر فرهنگی، تربیتی و اخلاقی، بعد دیگر قانون‌گرایی و و قانون‌گذاری است که آیت‌الله خامنه‌ای به آن توجه می‌دهند. "هر قانونی که شما بگذرانید، ولو به حسب ظاهر این قانون ارتباط با مسائل تربیتی و فرهنگی هم ندارد - یک قانون اقتصادی فرض بفرمائید -، این یک اثر مستقیم یا غیر مستقیم فرهنگی و اخلاقی و تربیتی بر روی مردم

دارد. رفتارها و خلقیات و تربیت‌ها اثر متقابل دارند؛ هم اخلاق در رفتار تأثیر می‌گذارد، هم رفتار بر اخلاق تأثیر می‌گذارد. شما ببینید: «ثم کان عاقبة الذین اساءوا السوء»، کار بد که می‌کنیم، روی دل ما اثر می‌گذارد، روی اخلاق ما اثر می‌گذارد، گاهی روی برداشت‌ها و تلقی‌های ما اثر می‌گذارد؛ دل‌بستگی که پیدا می‌کنیم، این دل‌بستگی روی ذهنیات ما اثر می‌گذارد. اعمال و رفتار از یک طرف، و اخلاق و تربیت از یک طرف؛ اینها تأثیر متقابل دارند. اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد (آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۸۸/۱/۱۰).

۲-۷. منطق محوری حکمرانی

منطق آیت‌الله خامنه‌ای در هدایت و مدیریت انقلاب و نظام اسلامی که یکی از لوازم و اقتضائات مهم و اساسی برای ایفای نقش و انجام وظیفه بر اساس مراتب ولایتمحوری می‌باشد، مبتنی است بر منطق و نظام فکری حاکم بر سبک مدیریت و حکمرانی "ولی". حکومت در همه جنبه‌هایش اعم از فرهنگ، سیاست، اجتماع، امنیت، دفاع و... عرصه مسائلی نوپدید است و بسیاری از این حوادث پیشینه تاریخی مسلم و قطعی ندارند تا بتوان با شباهت جویی و الگوپذیری از تاریخ، آنها را حل نمود. سرعت تحولات در کشورها و ملت‌های جهان و عدم دسترسی لحظه‌ای به "ولی امر" برای پرسش از نحوه مواجهه با این تحولات، اقتضا می‌کند بر اساس آگاهی از منطق حکمرانی ایشان، حکم هر مسئله را بیابیم.

اگر ما به زمینه‌ها، علل، عوامل و دلایل انتخاب‌های فقیه حاکم آگاهی نیابیم، امکان همراهی با تصمیمات وی به حداقل میرسد و ممکن است دچار کج‌فهمی‌های برخی یاران ائمه و نائبان آنها بشویم. ارزشمندی کشف منطق حکمرانی ولی فقیه از آن جهت است که منطق و اندیشه شیعه این است که در زمان عدم دسترسی به امام معصوم علیه السلام، فقیه جامع شرایط نزدیک‌ترین فرد به او است چون به احکام کلی اسلام آگاهی کامل دارد (فقاهاست)، از نظر شایستگی‌های روحی و اخلاقی سرآمد است و از کارآیی مطلوب در مقام مدیریت و هدایت جامعه برخوردار می‌باشد (کفایت و تدبیر). "ولی" در بسیاری از موارد ناگزیر است متناسب با همراهی خواص و فهم و مشارکت عموم، فرمانی صادر کند، به همین دلیل اقدام همراهان انقلابی او اگر بر اساس کشف منطق حکمرانی ایشان باشد، باعث میشود زمینه‌موضع‌گیری آشکار و

تصمیم‌گیری حداکثری رهبری فراهم شود و اقتدار (بسط ید) فراوانی برای ایشان ایجاد گردد. چنانچه مؤمنین انقلابی بر اساس منطق حکمرانی رهبری اقدام نکنند، ممکن است "ولی" در بسیاری از موارد ناگزیر به ورود در صحنه شود و هزینه اقدام افزایش یابد. در یک جمله، «منطق حکمرانی» آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی): عالمانه، مبنامند، آرمان‌گرایانه، واقع‌بینانه، مدبرانه، چشم‌اندازنگرا، راهبردمدارانه، خیرخواهانه و مشفقانه، کمال‌جویانه، مصلحانه، خدمت‌گزارانه، هنرمندانه، انسجام‌یافته، روشمند، و عزت‌مندانه است (کسائی، ۱۳۹۹: ۲۹).

۳. موانع عقلانیت

آنچه از مسیر عقلانیت جلوگیری می‌کند، اختلال در نظام محاسباتی است که به دلایل مختلفی اتفاق می‌افتد. در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای به بخشی از الگوهای اختلال در نظام محاسباتی اشاره شده است:

۱. تصویرسازی غلط از توان خود و دشمن (۱۳۹۱/۵/۳)
۲. تصور تحصیل هدف بدون هزینه (۱۳۹۱/۵/۳)
۳. کامل‌ندیدن واقعیت و تکیه بر توهمات غیرواقعی (۱۳۹۰/۱۲/۱۸)
۴. تحریم و فشار اقتصادی (۱۳۹۰/۱۰/۱۹)
۵. تبدیل یک معنای صحیح به مفهومی نادرست (۱۳۷۱/۱۱/۲۵)
۶. تغییر ادراک از مصلحت (۱۳۹۸/۷/۴)
۷. القای عجز و ناتوانی (۱۳۹۸/۳/۱۴)
۸. تغییر نظام هزینه-فایده مسئولین (۱۳۹۴/۱۲/۲۰)
۹. تغییر باورها و ارزش‌های مردم (۱۳۹۴/۵/۱)
۱۰. پردازش اشتباه داده‌ها (۱۳۹۳/۵/۱)
۱۱. بی‌خاصیت‌سازی تجارب و تضعیف اراده منجر به اقدام و عمل (۱۳۹۳/۴/۱۶)
۱۲. برجسته‌سازی فرعیات (۱۳۹۶/۳/۱۷)

نتیجه‌گیری

در طرح اندیشه حکومت اسلامی، توافق و هم‌راهی عقل و شرع را می‌توان با در نظر گرفتن

شرایط زمانی و مکانی به خوبی تبیین کرد. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، حکومت اسلامی با سه‌گانه عدالت، عقلانیت و معنویت، معنا و محقق می‌شود. این سه اصل از یکدیگر غیرقابل انفکاکند. عقلانیت، از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی و در عرض ایمان، مجاهدت و عزت است. معنویت روح کار، عقلانیت مهم‌ترین ابزار کار و عدالت جهت‌دهنده و ارزشگذار کارها در نظام اسلامی است. ارکان تفکر و تمدن اسلامی، نوگرایی و سماحت و عقلانیت است. نزدیک‌ترین تعبیر به عقلانیت (در بیان آیت‌الله خامنه‌ای)، (مدظله‌العالی) حکمت و خردگرایی است. عقلانیت یعنی توجه به ظرفیت کارشناس، کار کارشناسی، مطالعه درست، ملاحظه جوانب و آثار و تبعات یک اقدام و حتی گاهی ملاحظه تبعات یک اظهار نظر. عقلانیت یعنی به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات. عقلانیت به معنای تسلیم نیست. عقلانیت به معنای هزیمت هم نیست. عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راه‌هایی برای هر چه موفق‌تر شدن در رسیدن به آرمان‌هاست.

لذا مفهوم عقلانیت در اندیشه مقام معظم رهبری را می‌توان در چند مؤلفه خلاصه نمود. اول، داشتن رویکرد منطقی و محاسبه‌گر. دوم، نگاه انقلابی و به دور از محافظه‌کاری. سوم، توجه به واقعیات و وضعیت موجود. بر همین اساس نظام سیاسی اسلام، برآمده از سه‌گانه عقلانیت، معنویت و عدالت، و مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری دینی، به این معنی است که اداره و کنترل جامعه در حوزه سیاسی توسط نمایندگان مردم، مطابق با ارزش‌های دینی و مذهبی صورت می‌گیرد. در مردم‌سالاری دینی، هدف، حفظ و ارتقاء ارزش‌های انسانی و اخلاقی جامعه است. بر همین اساس، انعطاف در برابر استدلال برتر از هر شخص خارج از جایگاه اجتماعی-اعتقادی، ملاک اداره یا کنترل جامعه قرار می‌گیرد.

منابع

۱. اسماعیلی، محمد مهدی و عباسی فیروزجاه، میثم (۱۳۹۵). «عقلانیت انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، شماره ۲.
۲. آزاد ارمکی، نقی (۱۳۷۵). «جامعه شناسی عقلانیت»، قیسات، دوره ۱، شماره ۱.
۳. بیانات آیت الله خامنه ای در ارتباط تصویری با مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، ۲۱ مهر ۹۹.
۴. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۴ مهر ۱۳۷۹.
۵. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۹ بهمن ۱۳۹۲.
۶. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار کارکنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۸ مرداد ۱۳۶۸.
۷. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار کارگزاران نظام، ۱۲ آذر ۱۳۷۹.
۸. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار مسئولان نظام، ۱۶ تیر ۱۳۹۳.
۹. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار با مردم قم، ۱۹ دی ۱۳۸۱.
۱۰. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت، ۴ شهریور ۱۳۸۳.
۱۱. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۰ فروردین ۱۳۸۸.
۱۲. پولادی، کمال (۱۳۸۰). از دولت اقتدار تا دولت عقل در فلسفه سیاسی مدرن، تهران: نشر مرکز.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). مبادی اخلاق در قرآن، قم: اسراء.
۱۴. ذوعلم، علی؛ طیار، نژاد، رامین؛ صالحی، محمد مهدی و قائد علی، حمیدرضا (۱۳۹۸). انقلاب عقلانی، تهران: معاونت پژوهش و آموزش موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۵. شیخ راده، محمد (۱۳۸۶). «بررسی مبانی عقلانیت در تصمیم‌گیری»، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱.
۱۶. شیدا، حسین (۱۳۸۶). «الزامات آینده انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، فصلنامه حصون، شماره ۱۱.
۱۷. غلامی، رضا (۱۳۹۸). نظام عقلانیت سیاسی اسلام و جایگاه آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، تهران: نشر آفتاب توسعه.

۱۸. فصیحی، امان الله (۱۳۸۴). «عقلانیت دینی و سکولار»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۲.
۱۹. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۴). «چیستی عقلانیت»، نشریه ذهن، شماره ۱۷.
۲۰. کالبرگ، استپان (۱۳۸۳). «انواع عقلانیت از دیدگاه ماکس وبر، بنیادهایی برای تحلیل فرآیندهای عقلانی شدن در تاریخ»، ترجمه مهدی دستگردی، معرفت، شماره ۸۰.
۲۱. کسائی، سعید و داودی، عباس (۱۳۹۹). تلخیص کتاب تربیت و تعالی دینی (۲)، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، تهران: زمزم هدایت
۲۲. گیدنز، آنتونی و بردسال، کاردن (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۲۳. مبلغی، عبدالمجید (۱۳۹۳). «سودمندگرایی و مردم سالاری دینی»، پژوهش‌های سیاسی نظری، شماره ۱۵.
۲۴. محمدی، رحیم (۱۳۸۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی عقلانیت، تهران: انتشارات باز.
۲۵. مصطفایی، مهران (۱۳۸۹). «عقلانیت و سیاست در اندیشه ماکس وبر»، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۳۵.
۲۶. معزالدینی، امیرحسین (۱۳۹۳). روزنامه رسالت، شماره ۸۱۲۸.
۲۷. وبر، ماکس (۱۳۷۱). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، ترجمه رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، تهران: علمی فرهنگی
۲۸. وبر، ماکس (۱۳۸۷). دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.
۲۹. یزدانی، عباس (۱۳۸۹). «دین و عقلانیت در فلسفه اجتماعی ماکس وبر و نقد آن»، فصلنامه معرفت، شماره ۱۵۷.